



## دردسرهای تولد برادرزاده

رژین و مانی چهارسال بیشتر نتوانستند کنار هم زندگی کنند.

سیمافراہانی

تپش

آنها بعد از چهار سال زندگی مشترک به ایستگاه آخر رسیدند. رژین که نمی‌توانست محبت‌های شوهرش

نسبت به فرزند برادرش را تحمل کند در نهایت تصمیم گرفت به زندگی مشترکش پایان دهد.

او وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت درباره علت درخواست طلاقش گفت: چهار سال است با مانی ازدواج کرده‌ام. وقتی با مانی آشنا شدم، تازه از شوهرم جدا شده بودم. یک دختر چهارساله به نام کیانا هم داشتم. مانی هم مثل من به تازگی از همسرش جدا شده بود. او گفت با دخترم هیچ مشکلی ندارد. برای همین با او ازدواج کردم. پیش از آغاز زندگی مشترکمان هم تاکید کردم چقدر دخترم و آسایش او برایم مهم است. اما بعد از ازدواج بود که متوجه شدم مانی نسبت به کیانا کمی بی‌تفاوت است. با این حال سعی کردم به سادگی از کنار این موضوع بگذرم. اما چند وقت پیش دختر برادر مانی به دنیا آمد و از آن وقت تا الان من نتوانسته‌ام رفتارهای شوهرم را تحمل کنم. بعد از به دنیا آمدن برادرزاده شوهرم، مانی مرتب برای نوزاد تازه متولد شده هدیه و اسباب‌بازی می‌خرد و هر هفته ما را مجبور می‌کرد به خانه برادرش برویم. در این میان او بدون توجه به

دختر من فقط به دختر برادرش محبت می‌کرد. بارها کیانا را دعوا کرده که چرا به دختر برادرش نزدیک شده یا به وسایل او دست زده است. وقتی به خانه برادرش می‌رفتم کلی به من گوشزد می‌کرد مواظب کیانا باشم که مبادا سمت دختر برادرش بروم. خیلی از این کارهایش ناراحت می‌شدم. او از وقتی دختر برادرش به دنیا آمده همان یک ذره محبت به کیانا را هم فراموش کرده و فقط به نوزاد جدید خانواده‌شان فکر می‌کند. بارها با اسباب‌بازی‌های مختلف به خانه آمده و وقتی کیانا با ذوق سمت آن اسباب‌بازی‌ها رفته، او را دعوا کرده و گفته اینها برای تو نیست. دخترم هم کلی اشک ریخته است. برای همین دیگر نمی‌توانم این رفتارهای شوهرم را تحمل کنم. او با این کارهایش دارد دختر مرا عذاب می‌دهد. برای همین می‌خواهم از او جدا شوم. من نمی‌توانم به خاطر خوشبختی خودم، زندگی دخترم را نابود کنم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، برادرزاده‌ام اولین نوزاد خانواده ماست. طبیعی است علاقه خاصی به او داشته باشیم. اما همسرم دچار توهم شده و مرتب سر این موضوع با من دعوا می‌کند. احساس می‌کند به دخترش بی‌احترامی کرده‌ام یا او را دوست ندارم. محبت به برادرزاده‌ام چه ارتباطی به علاقه‌ام به کیانا دارد. اما رژین اصلا این موضوع را متوجه نمی‌شود. فقط حرف خودش را می‌زند. چند ماه است زندگی را برایم جهنم کرده است. او

در کل روی دخترش خیلی حساس است و همیشه کوچک‌ترین رفتارم را با دخترش ارزیابی می‌کند. من هم دیگر از این زندگی خسته شدم و درخواست طلاق دارم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

### با یک اختلاف همه چیز را خراب نکنید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: به اعتقاد من گاهی اوقات زنان و مردان در زندگی مشترک دچار برخی از اختلالات روحی و عاطفی می‌شوند که برای حل این اختلالات رفتارهای ناپهنجاری از خودشان نشان می‌دهند. معمولا این زنان و مردان باید برای حل مشکلات خود با همسرشان صحبت و با یک مشاور مشورت کنند تا بتوانند برای حل این مشکل چه رفتاری انجام دهند. رفتار نامناسب، مشکل و اختلاف را بزرگ‌تر می‌کند. در واقع مسائل مختلف در خانواده‌ها باعث شده فرصت تعامل و گفت‌وگو بین زوج‌ها کاهش پیدا کند. همین مسائل باعث شده میان زوج‌ها فاصله عاطفی زیادی ایجاد شود. در زندگی مشترک موفق، زوج‌ها به رابطه خود با همسرشان اهمیت می‌دهند و به خواسته‌های هم توجه دارند. آنها معمولا سعی دارند خود را با برخی از شرایط وفق دهند. مصمم به تغییر خود هستند. زنان و مردان باید برخی شرایط را به جای تحمل پذیرا شوند و در صورت بروز اختلاف همه چیز را منفی نبینند و ویران نکنند. آنها باید یاد بگیرند با بحران‌های زندگی به آرامی برخورد کرده و روزهای خوب مشترک گذشته را به کلی نادیده نگیرند. از سوی دیگر اگر می‌خواهند با فردی ازدواج کنند که از ازدواج قبلی خود فرزندی دارد، بهتر است همه جوانب را ببینند و بعد تصمیم بگیرند. در پرونده‌های مختلف شاهد بودیم که در زمان ازدواج شرایط را خیلی راحت قبول کرده و قول داده‌اند به فرزند همسر خود محبت کنند، اما وقتی وارد زندگی مشترک شدند نتوانسته‌اند با کودک ارتباط برقرار کنند و همین زمینه‌ساز بروز مشکل برای آنها شده است.



بعد با کمک دو همبندش که یکی قاتل و دیگر سارق مسلح بود، از زندان فرار کردند.

خبر این فرار در تمام رسانه‌های محلی و سراسری آمریکا پخش شد تا این‌که یک زن ایرانی به جرم همکاری با زندانیان فراری دستگیر و مشخص شد این زن که معلم زبان زندانیان بوده، نقشه‌هایی زندان و اطرافش را به حسن داده و با او نامه‌های عاشقانه هم رد و بدل کرده بود. سرانجام ۱۰ روز پس از فرار، حسن شناسایی و دستگیر شد. با گذشت چهار سال از این فرار، نه پلیس آمریکا و نه حسن، هیچ‌کدام نحوه فرار را اعلام نکردند.

### فرار علی اشرف از زندان رجایی‌شهر



سارق مسلح بود و به همین اتهام سال ۸۲ شناسایی و دستگیر شد. ابتدا به اعدام محکوم شد؛ اما این حکم بعداً با تخفیف به ۳۰ سال کاهش یافت. او را همه زندان می‌شناختند و می‌دانستند تصمیم گرفته بود در حبس نماند. علی اشرف با یک سارق و یک قاتل همدست شد تا تونلی ۱۸ متری را برای فرار از زندان رجایی‌شهر حفر کنند. کار آنها سه سال طول کشید، در این مدت علی اشرف، رژیم سخت گرفت تا با لاغر شدن بتواند از تونل فرار کند. فرار آنها بی‌نقص‌ترین فرار تاریخ بود؛ چراکه آنها سه لباس با نایلون پوشیده بودند تا لباس‌شان خاکی نشود و بیرون زندان لو نروند. سرانجام نقشه این افراد عملی و موفق به فرار شدند. علی اشرف بعد از فرار از زندان با شاکیان و افسران پلیس که او را دستگیر کردند، تماس گرفت و آنها را تهدید به مرگ کرد. او بعد از فرار ۱۰ اسرقت مسلحانه از خانه مرتکب شد و بعد به عنوان کارگر آسفالت کار مشغول شد، چندی بعد یک کارگر با او درگیر شد و چون علی اشرف را از زندان می‌شناخت، هویت او را به ماموران لو داد و او دوباره به زندان بازگشت.

قبل از ازدواج با فردی

که در گذشته تجربه

ازدواج داشته و بچه

دارد، شرایط را بررسی

کرده و قبل از شروع

زندگی مشترک درباره

زندگی در کنار فرزند

همسر تصمیم بگیرید



سند کمپانی موتورسیکلت شوکا، مدل ۱۳۹۰، به‌رنگ آبی، به‌شماره انتظامی ۶۶۲-۸۱۲۱۸، شماره موتور NCS009980 و شماره شاسی NCS\*\*\*12559028068 به‌نام محمدحسن غلامی فشارکی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.